

باسمه تعالی

جناب آقای دکتر قالیباف

ریاست محترم مجلس شورای اسلامی

با سلام و احترام

همانگونه که مستحضرید؛ بیش از یکماه (۱۴۰۳/۱۰/۲ تاکنون) از برگزاری جلسه غیرعلنی مجلس با حضور وزیر محترم اقتصاد و رئیس کل محترم بانک مرکزی و سایر مسئولین ذیربط، همچنین قرائت گزارش کمیسیون اقتصادی در صحن در رابطه با سیاست ارزی بانک مرکزی و حذف سقف نیما و افزایش شدید نرخ ارز و به دنبال آن افزایش نرخ ارز در بازار آزاد قاچاق ارز می‌گذرد. همانگونه که ارقام مربوط به نرخ ارز در جدول ذیل آمده است، متأسفانه روند افزایشی نرخ ارز متوقف نشده است. گرچه کاهش ارزش پول ملی و افزایش نرخ ارز نیما از ابتدای امسال آغاز شده بود اما روند افزایشی آن از شهریور ماه سال جاری شدت گرفته و با افزایش سقف نیما و آغاز به کار «بازار ارز تجاری» پس از اطلاعیه شماره ۱ بانک مرکزی در ۲۲ آذرماه شدیدتر شده است.

تاریخ	ارقام:ریال	۱۴۰۳/۶/۳	۱۴۰۳/۷/۳	۱۴۰۳/۸/۳	۱۴۰۳/۹/۳	۱۴۰۳/۱۰/۳	۱۴۰۳/۱۱/۳
نرخ دلار رسمی (نیمایی - توافقی)	۴۴۸۴۳۵	۴۶۰۰۳۵	۴۸۵۷۴۷	۵۰۸۳۷۴	۶۳۸۴۲۶	۶۶۶۰۳۲	
نرخ دلار بازار آزاد قاچاق	۵۸۲۶۵۰	۶۰۴۸۵۰	۶۷۹۵۰۰	۶۶۹۰۵۰	۷۷۸۸۰۰	۸۳۹۰۵۰	
رانت ادعایی (فاصله نرخ رسمی و آزاد قاچاق)	۱۳۴۲۱۵	۱۴۴۸۱۵	۱۹۳۷۵۳	۱۶۰۶۷۶	۱۴۰۳۷۴	۱۷۳۰۱۸	

افزایش پیاپی نرخ ارز که با هدف کاهش رانت ادعایی (اختلاف نرخ ارز نیما از نرخ بازار آزاد قاچاق) انجام شد نه تنها موجب کاهش این رانت نشد، بلکه باعث گران شدن قیمت کالاها و کوچکتر شدن سفره مردم شده است. از یک طرف بیش از ۶۰ درصد از واردات کشور با نرخ نیمایی است و از طرف دیگر به دلیل آنکه مواد اولیه تولید در بورس کالا براساس نرخ ارز نیمایی قیمتگذاری می‌شود و این نرخ نیز هفتگی به روز می‌گردد، افزایش‌های جهش‌وار در نرخ ارز نیما در چند ماه آتی در قیمت کالاها و سفره مردم ظاهر خواهد شد و معیشت مردم را با مشکلات شدیدی مواجه خواهد کرد. متأسفانه با توجه به جمع‌بندی انجام شده در جلسه غیرعلنی، مسئولین اجرایی مانعی در تداوم سیاست غلط ارزی خود در کاهش ارزش پول ملی ندیدند و بدون توجه به آثار مخرب آن بر سفره و معیشت مردم، با قوت سیاست اشتباه ارزی را ادامه دادند. همچنین گزارش کمیسیون اقتصاد نیز این روند غلط را تایید کرد. این گزارش حاوی پیش‌فرض‌ها و تحلیل‌های غلطی در مورد دلایل افزایش نرخ ارز به ویژه پس از راه‌اندازی سامانه ارز تجاری است که بیم آن می‌رود سیاست‌گذار را در چالهی تصمیمات غلط سرگردان نموده و قدرت تصمیم‌گیری صحیح و تغییر رویکرد را از وی سلب نماید. از این رو به پیوست گزارشی حاوی ۲۴ بند شامل اشکالات اساسی "گزارش کمیسیون اقتصاد" تقدیم می‌شود و در ادامه راهکارهای پیشنهادی نیز ارائه شده است.

حسین صمصامی

نماینده مردم شریف مرد تهران، شهری، شمیرانات و پردیس و عضو کمیسیون اقتصادی مجلس شورای اسلامی

نقد و واکاوی گزارش کمیسیون اقتصادی تحت عنوان؛

«نظام ارزی کشور و مدیریت نوسانات ارزی با هدف بررسی منابع و مصارف بازار ارز»

گزارش کمیسیون اقتصادی مجلس شورای اسلامی درباره «نظام ارزی کشور و مدیریت نوسانات ارزی با هدف بررسی منابع و مصارف بازار ارز» و در راستای ماده ۱۱ قانون برنامه پنج‌ساله هفتم پیشرفت تهیه و به صحن مجلس ارائه شد. باین حال، ضمن تشکر از زحمات انجام شده اما تحلیل دقیق این گزارش و بررسی نتایج آن، نکات و ایرادات و اشکالات اساسی و قابل توجهی را نمایان می‌سازد که در ادامه در ۲۴ بند تشریح می‌شود:

۱) شایسته بود نگارندگان گزارش ارز در کمیسیون اقتصادی مجلس شورای اسلامی، گزارش عملکرد ماده ۱۱ قانون برنامه پنج‌ساله هفتم پیشرفت، بالاخص ارائه اطلاعات مربوط به دارایی‌های ارزی و جریان درآمد ارزی تحت مالکیت دستگاه‌های اجرائی، مؤسسات اعتباری، صرافی‌ها و صادرکنندگان دولتی یا وابسته به شرکت‌های دولتی و مؤسسات و نهادهای عمومی غیردولتی و سایر صادرکنندگان حقیقی (را تحت ضوابط و مطابق با شیوه‌ای که بانک مرکزی مشخص می‌کند) را برای اطلاع نمایندگان محترم تدوین می‌نمودند. با عنایت به متن ماده ۱۱ قانون برنامه پنج‌ساله هفتم پیشرفت به نظر می‌رسد این گزارش ارتباطی با ماده قانونی یاد شده ندارد!

۲) کمیسیون در مقدمه استدلال خود به بند ت ماده ۲۰ قانون احکام دائمی استناد نموده در حالی که به نظر می‌رسد برداشت ناصوابی از بند مذکور داشته است. در این ماده به مکانیزم تعیین نرخ ارز توجه دارد نه سپردن تعیین نرخ ارز به بازار آزاد قاچاق (غیررسمی). از این رو اگر مکانیزم‌های دیگری وجود داشته باشد که هم ثبات بیشتری ایجاد کند و هم مراتب قانونی مربوط را رعایت نماید به مکانیزم مورد علاقه نگارندگان گزارش ارجحیت دارد. تبعیت از بازار آزاد قاچاق که در طول گزارش سعی شده بدیهی جلوه داده شود و تلاش سیاست‌گذاران بر عدم رشد نرخ ارز رسمی را کاری عبث و بیهوده نشان دهند دیگر نیازی به مدیریت ندارد!

^۱ ماده ۱۱ قانون برنامه پنج‌ساله هفتم پیشرفت جمهوری اسلامی ایران:

الف - در اجرای بند (۲) سیاست‌های کلی برنامه پنج‌ساله هفتم مبنی بر ایجاد ثبات در سطح عمومی قیمت‌ها و نرخ ارز؛

۱- دستگاه‌های اجرائی، مؤسسات اعتباری، صرافی‌ها و صادرکنندگان دولتی یا وابسته به شرکت‌های دولتی و مؤسسات و نهادهای عمومی غیردولتی و سایر صادرکنندگان حقیقی و حقوقی مکلفند کلیه اطلاعات مربوط به دارایی‌های ارزی و جریان درآمد ارزی تحت مالکیت خود را تحت ضوابط و مطابق با شیوه‌ای که بانک مرکزی مشخص می‌کند، در اختیار این بانک قرار دهند. عرضه ارزهای در اختیار دستگاه‌های اجرائی، مؤسسات اعتباری، صرافی‌ها و صادرکنندگان دولتی یا وابسته به شرکت‌های دولتی و مؤسسات و نهادهای عمومی غیردولتی باید با هماهنگی بانک مرکزی در چهارچوب این قانون و قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز مصوب ۱۳۹۰/۳/۲۰ با اصلاحات و الحاقات بعدی انجام شود.

۲- صادرکنندگان خرد از جمله صادرکنندگان خدمات فنی و مهندسی، محصولات صنعتی دانش بنیان و خلاق، محصولات باغی و کشاورزی و صنایع دستی می‌توانند ارز حاصل از صادرات خود را در مرکز مبادله ارز و طلای ایران عرضه نموده یا پس از اعلام به بانک مرکزی، برای واردات کالاهای مجاز که بانک مرکزی با تأمین ارز آنها موافقت کرده است، توسط خود یا دیگر واردکنندگان مورد استفاده قرار دهند. صادرکنندگان خرد موضوع این جزء با توجه به نوع و حجم کالا یا خدمت صادر شده، به پیشنهاد وزیر صنعت، معدن و تجارت و با همکاری وزرای جهاد کشاورزی و میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی و معاون علمی و فناوری و اقتصاد دانش بنیان رئیس‌جمهور، توسط هیأت وزیران تعیین می‌شوند.

۳) در سیاست‌گذاری و تحلیل‌های اقتصادی بایستی تابع هدف افزایش رفاه ضعیف‌ترین اقشار جامعه باشد و پیش از اجرای هر نوع سیاستی باید اثرات آن سیاست بر رفاه این بخش از جامعه مورد بررسی قرار گیرد تا هیچ‌گاه بدین سادگی قدرت خرید آحاد جامعه به ویژه اقشار مورد اشاره بازیچه سیاست‌های غلط و تکراری قرار نگیرد.

۴) این گزارش بر اساس انگاره علیت تورم از سمت نقدینگی به تورم و از تورم به افزایش نرخ ارز نگاشته شده، در حالی که اولاً به دلیل سهم بیش از ۸۰ درصدی نهاده‌ها و کالاهای واسطه‌ای از واردات و ثانیاً مبنا قرار داشتن نرخ ارز نیما در کشف قیمت در بازار بورس کالا، عمده علت تورم در یک دهه اخیر از نوع فشار هزینه بوده و حتی ناترازی بودجه دولت (۸۵۰ همت) و ناترازی ۳۰ میلیارد دلاری انرژی بیان شده در این گزارش، ریشه در جهش‌های نرخ ارز دارد.

۵) نگارندگان گزارش بدون توجه به ترکیب کالاهای وارداتی و ایضا بدون توجه به اقلام ممنوعه که از طریق قاچاق وارد کشور می‌شوند تصور می‌کنند با افزایش نرخ ارز تقاضا برای واردات کاهش و صادرات افزایش می‌یابد.

۶) نگارندگان گزارش مورد اشاره ادعا می‌کنند که افزایش نرخ ارز غیررسمی ارتباطی با حذف سقف افزایش نرخ ارز در سامانه نیما نداشته و دلیل آن صرفاً تهدیدهای منطقه‌ای و تقاضای فصلی در پایان سال میلادی و ... است! این در حالی است که سیاست‌گذار باید پیش از هر اقدامی با پیش‌بینی پیامدهای اجرای آن، مبادرت به اجرای سیاست مدنظر خود نماید. بانک مرکزی که می‌دانست در اوج تقاضای ارزی در پایان سال میلادی قرار دارد چرا دقیقاً در همان بازه زمانی اقدام به راه‌اندازی سامانه مذکور نموده است؟ نگارندگان گزارش با اغماضی عامدانه در تلاش‌اند تا افزایش نرخ ارز غیررسمی در این روزها را بی ارتباط با حذف سقف نرخ ارز در سامانه نیما نشان دهند چرا که به نظر آنها در گذشته نیز این اتفاق رخ داده لکن جهشی در نرخ ارز غیررسمی در آن مقطع زمانی ایجاد نکرده است. فارغ از این که شرایط امروز با گذشته متفاوت است، شواهد آماری به خصوص از شهریور ماه سال جاری که افزایش نرخ ارز نیما شدت گرفت حکایت از افزایش نرخ ارز بازار آزاد قاچاق دارد. لذا این ادعا که گفته شود "دلیل افزایش نرخ ارز غیررسمی ربطی به حذف سقف نیما ندارد و دلایل دیگری دارد"، اصولاً غلط است.

۷) در این گزارش هیچ اشاره‌ای به تقاضای ارز ۴۰ میلیارد دلاری قاچاق کالا و خروج سرمایه و سایر مصارف غیرقانونی نشده است. چطور ممکن است این حجم از تقاضای غیررسمی در کشور وجود داشته باشد و انتظار داشته باشیم بدون هیچ اقدام نظارتی و کنترل‌های غیرقیمتی نرخ ارز رسمی و آزاد قاچاق به هم نزدیک شوند. فقط در یک صورت این نرخ‌ها به هم نزدیک می‌شوند که یا منابع ارزی زیادی در دسترس باشد نظیر دهه ۸۰ و یا رکود سنگینی در اقتصاد حاکم شود.

۸) بنابر ارقام ارائه شده در این گزارش کل تعهد صادراتی برای ۶ سال و نیم گذشته ۲۱۰ میلیارد یورو بوده که از این میزان تعهد ارزی ۱۹۹ میلیارد یورو سررسید شده و تاکنون ۱۵۳ میلیارد یورو رفع تعهد شده است. به عبارت دیگر ۷۷ درصد تعهدات ارزی رفع تعهد گردیده است. اما به نظر می‌رسد نگارندگان گزارش عامدانه از بیان آن (درصد رفع تعهد) خودداری نموده و با مقایسه ارقام رفع تعهد شده در ۱۴۰۲ و با ۷ ماهه ۱۴۰۳ افزایش ۷ واحد درصدی رفع تعهد را به تغییر رویکرد مسولین اقتصادی منتسب نماید؛ در حالی که این رقم از رفع تعهد کل دوره کوچکتر بوده و خود نشان‌دهنده طولانی شدن فرآیند رفع تعهد (عمدتاً) به دلیل امکان بهره‌مندی

صادرکنندگان از سوداگری ارزی به دلیل نبود رصد تراکنش‌های ریالی، کنترل‌های مالیاتی، افزایش پی در پی نرخ ارز نیما و سایر عوامل دارد. لازم به یادآوری است که بخشی از افزایش واردات کشور مربوط به واردات شمش طلاست؛ این رقم در ۱۰ ماهه ابتدایی سال جاری به بیش از ۶ میلیارد دلار رسیده است که عمدتاً جهت رفع تعهد ارزی برای بهره‌مندی از حاشیه‌ی سود مبادله آن صورت می‌پذیرد.

۹) در گزارش بیان شده است که در ابتدای پاییز سال جاری نرخ ارز بازار غیر رسمی حدود ۶۰۰۰۰ تومان و نرخ ارز نیما حدود ۴۶۵۰۰ تومان بوده که این یعنی اختلاف حدوداً ۱۳۵۰۰ تومانی؛ این ارقام در دوم دی ماه سال جاری به ترتیب برابر با ۷۶۰۰۰ تومان و ۶۳۳۰۰ تومان بوده که مبین اختلاف ۱۳۷۰۰ تومانی است. گرچه این نرخ اکنون به بیش از ۱۷ هزار تومان افزایش یافته، اما نگرانندگان گزارش با بیان محاسبات به صورت درصدی تلاش نموده‌اند سیاست اجرایی بانک مرکزی با حمایت کامل وزارت امور اقتصادی و دارایی را موفق جلوه دهند. این در حالی است که به صرفه شدن نرخ ارز در بازار آزاد قاچاق به صرفه کالای قاچاق و انگیزه خروج سرمایه از اقتصاد وابسته است.

۱۰) در بخش دوم گزارش به گونه‌ای از شکست سیاست تثبیت سخن گفته شده که هیچ اشاره‌ای به وقایع رخ داده نداشته است. به عنوان مثال، تغییر رویکرد دولت در سال ۱۳۶۹ هم زمان با اخذ تسهیلات کوتاه مدت از خارج برای بازسازی پس از جنگ و اجرای سیاست آزادسازی نرخ ارز در سال ۱۳۷۱ و شکست این سیاست و اعتراضات مردمی و حتی کشته شدن تعدادی از هموطنان عزیز در سال ۱۳۷۴ که به ناچار سیاست‌گذار در این سال تغییر رویه داده و با تداوم سیاست ثبات سازی نرخ ارز تا پایان دهه ۱۳۷۰ باعث فراهم شدن ثبات در بخش ارزی کشور و کاهش تورم به سطوح پایین شد.

۱۱) علت فساد صرفاً ناشی از تثبیت نرخ ارز نیست چه اینکه در حال حاضر که میان نرخ ارز نیمای شناور با نرخ بازار آزاد قاچاق نیز اختلاف وجود دارد ممکن فساد ایجاد شود. علت اصلی وقوع فساد تسامح دولت در اجرای قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز، عدم اجرای حکمرانی ریال، عدم رصد و تطابق تراکنش‌های بانکی با اسناد تجاری و رسمی، حمایت حقوقی رسمی از اسناد تجاری غیر رسمی، امکان انجام مبادلات غیرریالی، عدم اجرای دقیق ماده ۱۶۹ مکرر قانون مالیات‌های مستقیم، وجود گسترده دارایی‌های بی‌نام در تبادلات اقتصادی و سایر عوامل است که زدودن آن نیازمند اصلاحات ساختاری است و نه اصلاحات قیمتی صرف به نحوی که هر بار بعد از مدتی به اصلاح قیمتی دیگر نیازمند شویم. سیاست‌گذار باید به این درک و آگاهی برسد که بانک مرکزی با مداخله‌ی صرف در بازار غیررسمی قادر به کنترل نرخ ارز نبوده و موفقیت در این بخش منوط به اجرای ملاحظات مذکور است.

۱۲) نرخ ارز شناور مدیریت شده‌ای که افسار آن به دست بخش غیررسمی و قاچاق کشور است را نمی‌توان دیگر مدیریت شده نامید. بلکه این نرخ ارز را باید نرخ ارز حاصل از تدبیر سیاست‌گذاران مدیریت شده توسط بازار قاچاق نامید.

^۲ در این گزارش برخی ارقام به یورو و برخی به دلار بیان شده که رویه مناسبی نبوده است.

۱۳) در صورتی که رشد صادرات ناشی از رشد ارزش کالای صادراتی باشد قابل تحسین است حتی اگر دلیل آن افزایش قیمت جهانی کالاهای صادراتی باشد (نظیر سال ۱۴۰۱) لکن افزایش صادرات وزنی و کاهش ارزش آن مبین رشد خام‌فروشی است که نیازمند بازنگری در توسعه صادرات بدین رویه است. این تحلیل در خصوص واردات بالعکس می‌باشد. لذا ارائه یک گزاره بر اساس نرخ ارز برای تحلیل واردات و صادرات کشور امری غلط می‌باشد.

۱۴) ۵۰ درصد (۳,۳ میلیارد دلار) از افزایش ۶,۶ میلیارد دلاری صادرات در ۹ ماهه ابتدایی سال جاری مربوط به کد اچ اسی است که مرتبط با ال ان جی است و توسط شرکت ملی گاز به گمرک اظهار می‌گردد و ارتباطی با نرخ ارز ندارد.

۱۵) در بخش ۳-۵ گزارش مشکلات ساختار ارزی کشور برشمرده شده است. به نظر تدوین‌کنندگان گزارش با برشمردن مشکلات و بلافاصله تبیین اقدامات سیاست‌گذار در راستای راه‌اندازی سامانه ارز تجاری و حذف سقف دستوری در سامانه نیما به نوعی موافقت خود را با این اقدامات نشان داده‌اند بی آنکه به اثرات سیاست مذکور بر وضع معیشت آحاد مردم توجه نمایند. بسی جای تاسف است که برای تحقق آمل و آرزوهای انتزاعی و موهومی آن هم در شرایط جنگ ارزی، با اشتباهات پی در پی معیشت مردم لگدمال شود. اما آقایان کماکان به اشتباهات خود اصرار ورزیده و مانع از اجرای سیاست درست در این مقطع زمانی می‌شوند. درحالی که نرخ‌های ارز رسمی و آزاد قاچاق از وجود رانت و اختلاف کمافی السابق مورد ادعای آقایان حکایت می‌کند.

۱۶) دلایل مطروحه در بخش ۱-۵ گزارش برای افزایش نرخ ارز پس از اعمال سیاست جدید ارزی توسط بانک مرکزی را همواره می‌توان برای افزایش نرخ ارز در هر شرایطی مطرح کرد. لکن مساله آنجاست که چرا سیاست‌گذار بدون حل کردن این معضلات که از گذشته نیز وجود داشته است و بدون اصلاح ساختار مبادرت به تغییر رویه داده است که جز وخامت معیشت اکثریت جامعه نتیجه دیگری به همراه نداشته و سیاستگذار به‌رغم هشدارهای داده شده به اجبار دستاویز ادله تکراری شده است.

۱۷) مسئولین محترم باید به این مساله بپردازند که دلایل ناترازی عمده بانک‌های کشور چیست؟ چرا برای درمان این مشکل اقدامی صورت نمی‌گیرد؟ چرا هر بار این مشکل را که بخش بزرگی از مردم در به وجود آمدن آن ذره‌ای سهمیم نمی‌باشند دستاویز طبیعی جلوه دادن افزایش نرخ ارز و کوچک شدن سفره مردم قرار می‌دهند؟ چرا بانک‌های ناترازی نظیر بانک آینده و برخی دیگر از بانک‌های خصوصی که بخش زیادی از ناترازی شبکه بانکی ناشی از اقدامات آنهاست گوشه‌ای از تیغ جراحی آقایان را لمس هم نمی‌کند؟ واقعا جای شرمساری است که همواره مردم عزیز قربانی اشتباهات و عدم اقدام‌های سیاست‌گذاران شده و هر بار به بهانه‌ای معیشت‌شان مضیغ‌تر می‌شود.

۱۸) نگارندگان گزارش مزبور در کمیسیون اقتصاد بهتر است بررسی فرمایند که چرا ناترازی بودجه هر سال بیشتر از سال گذشته می‌شود؟ آیا افزایش نرخ ارز باعث افزایش هزینه‌های جاری دولت نمی‌شود؟ آیا دولت قادر است بدون اصلاحات ساختاری و ارتقای نظام مالیاتی ناترازی بودجه را مرتفع نماید؟

۱۹) مزید اطلاع آنکه صادرات غیرنفتی در سال ۱۴۰۲ حدود ۵۰ میلیارد دلار بوده که با فرض بازگشت کامل این ارزها برای پوشش واردات ۶۶ میلیارد دلاری در آن سال بانک مرکزی برای حداقل ۱۶ میلیارد دلار از این واردات به منابع ارزی دولت نیازمند بوده است. گزارش بانک مرکزی حاکی از تامین ۱۷,۲ میلیارد دلاری ارز برای کالاهای اساسی است. که تقریباً با کسری تجاری غیرنفتی برابر است و نمی‌توان آن را ارزیابی نمود. اگر آقایان تصور می‌کنند سقف نرخ ارز در سامانه نیما سبب کم اظهارات صادرات و کاهش منابع ارزی شده لطفاً گزارش دهند چرا در بودجه سال ۱۴۰۴ مقرر فرموده‌اند مازاد بر ارز تخصیصی به کالاهای اساسی را بانک مرکزی به نرخ مرکز مبادله تسعیر و در اختیار دولت قرار دهد. آیا این به معنای نیاز کشور به ارزهای حاصل از صادرات نفت نمی‌باشد؟ اگر چنین نیست چرا در بخش رسمی با مازاد ارز برای پوشش واردات مواجه نیستیم؟

۲۰) عدم بازگشت ارز ارتباطی با ارزیابی یا عدم ارزیابی بانک مرکزی ندارد. تا زمانی که ابزارهای نظارتی و کنترلی هوشمند مبتنی بر قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز به کار گرفته نمی‌شود، زمانی که تنظیم‌گری هوشمند مالیاتی انجام نمی‌شود، هنگامی که رصد تراکنش‌های بانکی وجود نداشته و هر دارایی بی‌نامی قابلیت انجام معامله در اقتصاد را داراست، زمانی که اسناد تجاری غیررسمی از حمایت‌های حقوقی برخوردار است و ...، بانک مرکزی هر اقدامی مرتکب شود قادر به کنترل بخش ارزی چه در کریدور بلندمدت و چه در حالات انتزاعی دیگر نخواهد بود و صرفاً به بازیگر گوش به فرمان ذی‌نفعان تبدیل می‌گردد.

۲۱) عجیب‌ترین بخش تحلیل ارائه شده در گزارش آنجاست که زمان اجرای سیاست را نامناسب اعلام نموده‌اند، همانند سال ۱۴۰۱ که چند ماه پس از جنگ روسیه-اوکراین سیاست حذف ارز ۴۲۰۰ را اجرا نمودند لکن بعدها همواره یکی از دلایل عدم موفقیت خود را آثار جنگ مذکور بر اقتصاد دنیا اعلام نموده‌اند. آیا به سیاست‌گذاری که می‌داند هر سال در پایان سال میلادی با افزایش تقاضا مواجه است و در آن زمان اعمال سیاست جدید می‌کند و بعد از اعمال سیاست زمان را نامناسب اعلام می‌کنند حتی عجیب‌تر آنکه در بخش ۵-۱-۵ گزارش زمان مناسب برای اصلاحات را نیمه اول سال جاری و سال ۱۴۰۲ اعلام می‌نماید این در حالی است که در یک سال و نیم گذشته کشور با شوک‌های متعدد سیاسی نظیر طوفان الاقصی، وعده صادق، شهادت رئیس‌جمهور فقید، شهادت اسماعیل هنیه و ... مواجه بوده یعنی همه آن ادله‌ای که الان بدان اشاره نمودند در آن زمان هم وجود داشته است. لازم به ذکر است که ثبات نسبی در بازار ارز در سال ۱۴۰۲ عمدتاً ناشی از ثبات در نرخ ارز و اعمال سقف قیمت و ... بوده است.

۲۲) مدعیان افزایش نرخ ارز متناسب با نرخ تورم داخلی و خارجی توضیح بفرمایند چه شده است که ادعای شناوری نرخ ارز متناسب با تورم داخلی و خارجی آنها به فلاکتی رسیده است که در سال جاری تا تاریخ ۴ بهمن، حدود ۷۰ درصد نرخ ارز رسمی افزایش یافته است این در حالی است که نرخ تورم سالانه کمتر از ۴۰ درصد بوده است. بماند اینکه اگر نرخ تورم خارجی کسر گردد میزان افزایش بر اساس فرمول آقایان باید به مراتب کمتر باشد. برابری قدرت خرید برای ارزش‌گذاری دلار بر اساس تورم شاخص مناسبی نیست چراکه نرخ محاسبه شده تابعی از سال پایه است. برای مثال اگر سال پایه را ۱۳۵۶ بگیریم، الان نرخ ارز باید کمتر از ۱۰ هزار تومان باشد نه ۷۰ هزار تومان! در جداول زیر اطلاعات و محاسبات مربوط ارائه شده است.

شاخص قیمت مصرف کننده در آمریکا			شاخص قیمت مصرف کننده شهری ایرانی بر اساس اطلاعات رسمی مرکز آمار ایران		
شاخص تعدیل سنده	USA CPI	Year	شاخص تعدیل سنده	Iran CPI	سال
1.00	60.61	1977	1.00	0.039518031712968	1356
1.08	65.23	1978	1.01	0.040103484034642	1357
1.20	72.58	1979	1.13	0.044787102608030	1358
1.36	82.41	1980	1.41	0.055617970558992	1359
1.50	90.92	1981	1.73	0.068497921635811	1360
1.59	96.50	1982	1.96	0.077346419647462	1361
1.64	99.60	1983	2.34	0.092316694417939	1362
1.71	103.88	1984	2.97	0.117267152368733	1363
1.77	107.57	1985	3.03	0.119762196163812	1364
1.81	109.61	1986	3.47	0.137227518729368	1365
1.87	113.62	1987	4.55	0.179643297245718	1366
1.95	118.26	1988	5.87	0.232039258942386	1367
2.05	123.96	1989	6.82	0.269464945868577	1368
2.16	130.66	1990	7.51	0.296910449614451	1369
2.25	136.19	1991	9.03	0.356791548696357	1370
2.32	140.32	1992	11.24	0.444118151524137	1371
2.38	144.46	1993	13.76	0.543919983327314	1372
2.45	148.22	1994	18.56	0.733540463753349	1373
2.51	152.38	1995	27.72	1.095325104039870	1374
2.59	156.85	1996	34.35	1.357304912523200	1375
2.65	160.52	1997	40.03	1.581859034080350	1376
2.69	163.01	1998	47.42	1.873779392104640	1377
2.75	166.58	1999	57.01	2.25302632956720	1378
2.84	172.20	2000	64.02	2.529976436210530	1379
2.92	177.07	2001	71.41	2.821896794234620	1380
2.97	179.88	2002	80.85	3.195106045533670	1381
3.04	183.96	2003	92.09	3.639121121183070	1382
3.12	188.88	2004	105.54	4.170851318065010	1383
3.22	195.29	2005	118.32	4.675781153094390	1384
3.33	201.59	2006	134.53	5.316313700913840	1385
3.42	207.34	2007	157.71	6.232269600201150	1386
3.55	215.30	2008	198.00	7.824497232128770	1387
3.54	214.54	2009	216.74	8.565144733133750	1388
3.60	218.06	2010	246.91	9.757508556336940	1389
3.71	224.94	2011	312.01	12.330015278434300	1390
3.79	229.59	2012	401.11	15.851243049150100	1391
3.84	232.96	2013	529.76	20.935204210983400	1392
3.91	236.74	2014	608.30	24.038983542823500	1393
3.91	237.02	2015	676.96	26.752301830041400	1394
3.96	240.01	2016	722.67	28.559409828598000	1395
4.04	245.12	2017	781.41	30.879931946648300	1396
4.14	251.11	2018	989.52	39.103728586075100	1397
4.22	255.66	2019	1329.68	52.546287796445400	1398
4.27	258.81	2020	1811.02	71.568020637035300	1399
4.47	270.97	2021	2530.49	100.00	1400
4.83	292.65	2022	3689.46	145.80	1401
5.03	304.70	2023	5141.96	203.20	1402
5.17	313.51	Jan 2025	7214.43	285.10	1403

وزیر محترم اقتصاد ابتدای دی ماه در جلسه کمیسیون اقتصادی فرمودند: «از ابتدای ۱۴۰۱ تا پایان آذر ۱۴۰۳ بر اساس گزارش بانک مرکزی شاخص قیمتها ۲٫۸ برابر شده که اگر تورم آمریکا را از آن کم کنیم، شاخص قیمتها حدود ۲٫۷ برابر می‌شود و قیمت دلار که در ۱۴۰۱ حدود ۲۷ هزار تومان بود، باید الان به حدود ۷۳ هزار تومان می‌رسید.»

طبق استدلال فوق: از سال ۱۳۵۶ تا پایان آذر ۱۴۰۳ بر اساس گزارش مرکز آمار ایران شاخص قیمتها ۷۲۱۴ برابر شده است که اگر تورم آمریکا (۵٫۱۷) برابر را کم کنیم، شاخص قیمتها حدود ۱۳۹۵ برابر می‌شود و قیمت دلار که در ۱۳۵۶ حدود ۷ تومان بود، باید الان به حدود ۹۷۶۸ تومان می‌رسید !!

روش فوق بر مبنای برابری قدرت خرید (Casselian Approach) فروض بسیاری دارد که در اقتصاد ما برقرار نیست و در کتاب «جعبه سیاه تضعیف ریال» نیز درباره آن بحث کردیم.

از این رو یک مدل محاسباتی بر اساس ساختار اقتصاد ایران استخراج کردیم که طبق آن نرخ مناسب دلار در سال ۱۳۹۸ عدد ۴۴۶۶ تومان، سال ۱۴۰۰ عدد ۸۲۹۶ تومان، سال ۱۴۰۲ حدود ۱۴۴۰۰ تومان و برای انتهای سال ۱۴۰۳ نیز حدود ۲۰ هزار تومان محاسبه شده است.

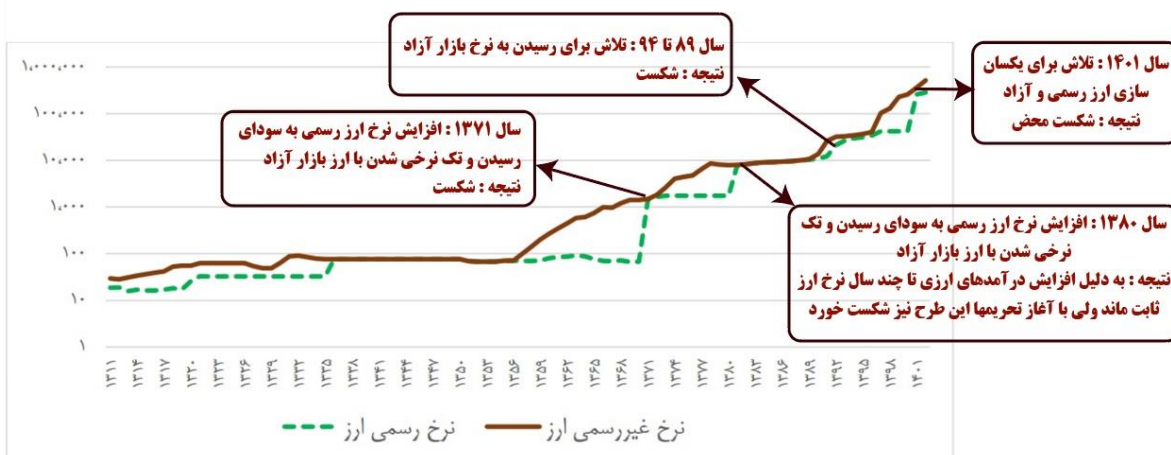
با نرخ ارزی که در این مدل به دست می‌آید، آثار تورمی هر واحد ارز در اقتصاد ایران به کمترین مقدار کاهش یافته و رشد مثبت اقتصادی نیز رقم خواهد خورد. همچنین در این مدل، نرخ ارز ثابت نیست بلکه پس از اعمال نرخ مناسب، اقتصاد کشور ثبات نسبی به خود گرفته و نرخ ارز نیز تحت اقتصاد کلان، با ثبات شده و نوساناتش به حداقل تقلیل خواهد یافت.

خواهشمند است عزیزان تجدیدنظر بفرمایند و در شرایط جنگ اقتصادی با معیشت و زندگی اقشار ضعیف، حداقل بگیران حقوق و دستمزد در بخش خصوصی و دولتی، معلمان و ... چنین ناجوانمردانه رفتار ننمایند.

۲۳) در گزارش، استدلالی مطرح شده مبنی بر این که اعمال نرخ‌های دستوری ارز مانع افزایش ذخایر ارز در دو سال گذشته شده است تا بتواند در چنین ایامی جهت مدیریت بازار آزاد قاچاق با منابع جمع‌آوری شده از قبل مداخله کرده و اعمال مدیریت نماید. روی دیگر استدلال آقایان این است که با مداخله در جهت منافع اقشار آسیب‌پذیر مساله دارند اما ارزیابی در راستای منافع ذی‌نفعان ایرادی ندارد.

۲۴) خلاصه نتایج سه دهه تلاش برای یکسان سازی نرخ ارز رسمی با نرخ ارز بازار غیر رسمی:

شکل ۲. متوسط سالانه نرخ اسمی ارز (رسمی و غیررسمی) در بازه ۱۳۱۱ تا ۱۴۰۲ (ریال) در مقیاس لگاریتمی



سال ۱۳۷۱: افزایش نرخ ارز رسمی به سودای رسیدن به نرخ ارز بازار آزاد قاچاق و تک نرخی شدن ارز نتیجه: شکست طرح و افزایش دوباره نرخ ارز بازار آزاد قاچاق.

سال ۱۳۸۰: افزایش نرخ ارز با همان هدف قبلی نتیجه: به دلیل افزایش درآمدهای ارزی تا چند سال نرخ ارز ثابت ماند ولی با آغاز تحریمها این طرح نیز نهایتاً با شکست مواجه شد.

سال ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۴: با آغاز تحریمها دولت تلاش کرد تا نرخ ارز رسمی را به نرخ ارز بازار غیر رسمی برساند، اما هر بار که نرخ ارز رسمی به بازار آزاد قاچاق نزدیک می‌شد، نرخ آزاد قاچاق دوباره جهش پیدا می‌کرد؛ نتیجه: شکست طرح.

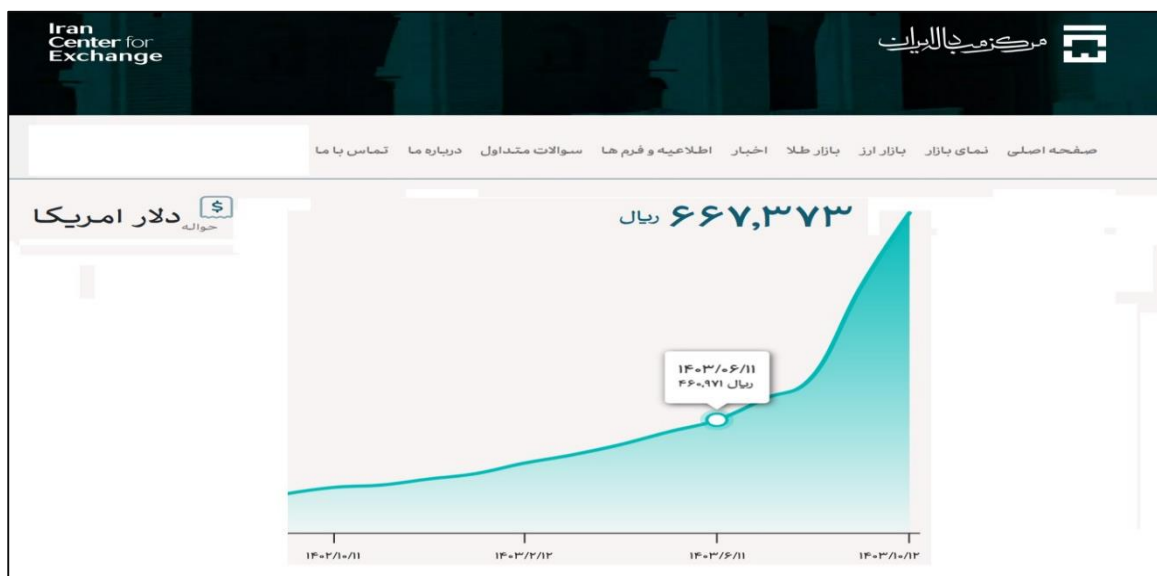
سال ۱۴۰۱: دوباره تجربه شکست خورده یکسان سازی ارز رسمی با ارز دولتی با حذف ارز ۴۲۰۰ تکرار شد که تبعاتش تورم سنگین و اعتراضات مردمی و کشته شدن تعدادی از هموطنان بود؛ نتیجه: شکست قطعی طرح.

سال ۱۴۰۳: متأسفانه دولت چهاردهم هم از تجربیات گذشته درس نگرفته و آذر امسال به سودای رسیدن به نرخ ارز آزاد قاچاق، ارز رسمی را ۴۰ درصد گران کرد. همگان مشاهده نمودند که چه اتفاقی افتاد. نتیجه: شکست قطعی طرح.

خروجی این طرح که در نهایت به افزایش نرخ ارز رسمی، افزایش نرخ ارز در بازار آزاد قاچاق، کاهش ارزش پول ملی و موج تورمی سنگین منجر می‌شود نشان می‌دهد که ایجاد بازار توافقی بدون اجرای الزامات و پیش‌نیازهای آن

کار بسیار غلطی بوده و تبعات آن به زودی در سفره و معیشت مردم نمایان خواهد شد و از این رو بیم شعله‌ور شدن اعتراضات مردمی در سال آینده وجود دارد.

نمودار شماره ۱ که از سایت مرکز مبادله ارز و طلای بانک مرکزی اخذ شده، نشان می‌دهد که طی چهار ماه اخیر نرخ ارز رسمی ۴۵٪ افزایش و ارزش پول ملی کاهش یافته است!



نمودار ۱: منبع داده‌ها از سایت مرکز مبادله ارز و طلای بانک مرکزی

نمودار ۲ نیز افزایش ۴۲ درصدی نرخ ارز آزاد قاچاق را طی چند ماه اخیر نشان می‌دهد. نه تنها رانت بین ارز رسمی و آزاد قاچاق از بین نرفت، که این گران شدن ارز آزاد قاچاق مدتی بعد اثر خود را در دارایی‌ها (مثل مسکن، طلا، خودروی و سایر کالاها) و نیز خدمات ظاهر خواهد کرد.



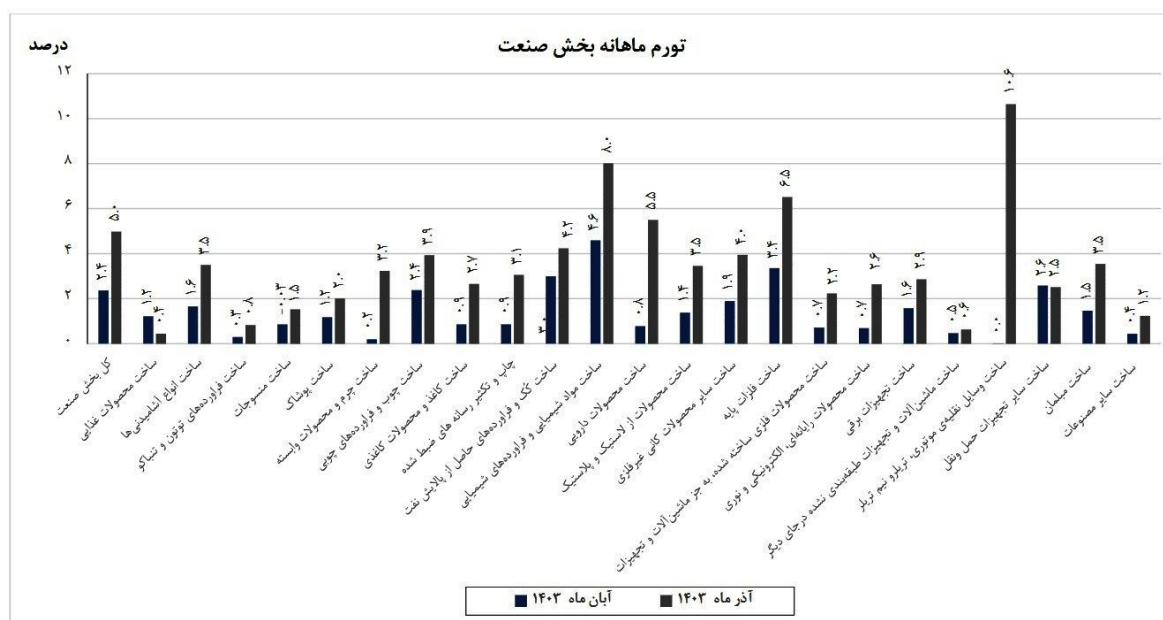
نمودار ۲

جدول شماره ۱ نیز افزایش ۱۰ درصدی تورم نقطه به نقطه بخش صنعت را نشان می‌دهد که ابتدای سال آینده بر سفره مردم ظاهر خواهد شد. این گوشه‌ای از تبعات ایجاد بازار ارز، بدون توجه به الزامات و پیش نیازهای بازار کار است.

دی ۱۴۰۳	آذر ۱۴۰۳	آبان ۱۴۰۳	مهر ۱۴۰۳	شهریور ۱۴۰۳	مرداد ۱۴۰۳	تیر ۱۴۰۳	
۶۶۰۰۰	۵۵۰۰۰	۵۰۵۰۰	۴۸۰۰۰	۴۶۰۰۰	۴۵۰۰۰	۴۳۶۰۰	میانگین نرخ دلار رسمی (تومان)
۲۰ درصد	۸,۹ درصد	۵,۲ درصد	۴,۳ درصد	۲,۲ درصد	۳,۲ درصد	۲,۳ درصد	رشد ماهانه میانگین نرخ دلار رسمی
؟	۶,۲	۲,۹	۰,۵	۱,۶	۰,۷		رشد ماهانه تورم نقطه به نقطه بخش صنعت (درصد)
؟	۳۱/۴	۲۵/۲	۲۲/۳	۲۱/۸	۲۰/۲	۱۹/۵	تورم نقطه به نقطه تولید صنعت کشور (سالانه)

جدول ۱: منبع داده ها از سایت مرکز آمار ایران

نمودار شماره ۳ که از گزارش آذرماه مرکز آمار ایران اخذ شده، به وضوح نشان می‌دهد که تورم ماهانه بخش صنعت به دلیل افزایش نرخ ارز و به دنبال آن افزایش قیمت مواد اولیه تولید در بورس کالا به نسبت آبان ماه به دو برابر افزایش یافته است!



نمودار شماره ۳

نظر به ملاحظات فوق پیشنهاد می شود:

(۱) با تغییر نگاه به مساله کاهش ارزش پول ملی به عنوان یک رخداد طبیعی، سیاست گذار باید پیش از هر اقدامی قادر باشد قدرت خرید آحاد مردم بالاخص اقشار آسیب پذیر را حفظ نماید. به دفعات متعدد اثبات شده که دولت قادر به حفظ قدرت خرید آحاد جامعه نبوده و هر بار که سیاست کاهش ارزش پول ملی دنبال شده است وضع معیشت مردم بدتر شده است. به عنوان مثال دولت در بودجه سال آتی که در سال جاری تنظیم شده نشان داد که قادر به حفظ قدرت خرید کارمندان خود نیست. چراکه در مواجهه با تورم حدوداً ۴۰ درصدی تنها توانسته حقوق کارکنان خود را ۲۰ درصد افزایش دهد. از این رو سیاست گذار نباید به دنبال سیاست ورزی های شاعرانه برای تحقق آمال صاحبان "تفکر ناتراز" قدم بردارد.

(۲) لازم است که رویکرد مدیریت نرخ ارز و درمان عوامل ایجادکننده افزایش نرخ ارز به جای اصلاح قیمتی و ایجاد آثار تورمی بر سفره و معیشت مردم به عنوان حقایق تاب آوری نظام جمهوری اسلامی ایران تغییر یابد.

(۳) در صورت انتقال تقاضای ارز کالاهای اساسی به سامانه ارز تجاری، سامانه مزبور بدون عرضه ارزهای حاصل از صادرات نفت و میعانات قادر به تامین ارز مورد نیاز برای واردات فعلی نخواهد بود. لذا بانک مرکزی ناگزیر به استفاده از ارزهای دولتی است.

(۴) تا زمانی که الزامات اولیه برای پاکسازی بازار آزاد قاچاق ارز از عوامل مخرب (مثل قاچاقچیان، فرار سرمایه، تقاضاهای سوداگری و اخلاالگران ارزی) انجام نشود، هر طرحی برای یکسان سازی نرخ ارز و نیز ایجاد بازارهای مختلف برای کشف نرخ ارز مناسب با شکست مواجه خواهد شد.

(۵) راهکار اجرایی در ۱۶ بند همراه با امضای ۱۳۰ نماینده محترم خدمت رئیس جمهور ارسال شده و رونوشت آن نیز خدمت رئیس محترم مجلس تقدیم شده است.

و من الله توفیق

حسین صمصامی